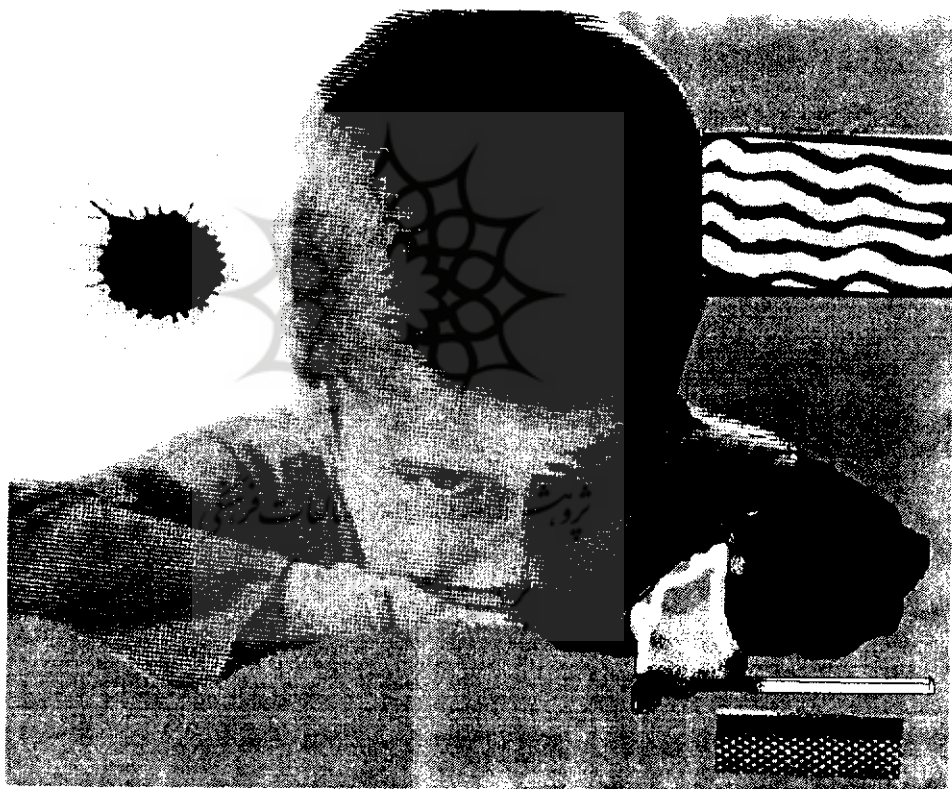


الگوهای خشونت در داستان‌های کودک

شکوه حاجی نصرالله



* جامعه تحقیق

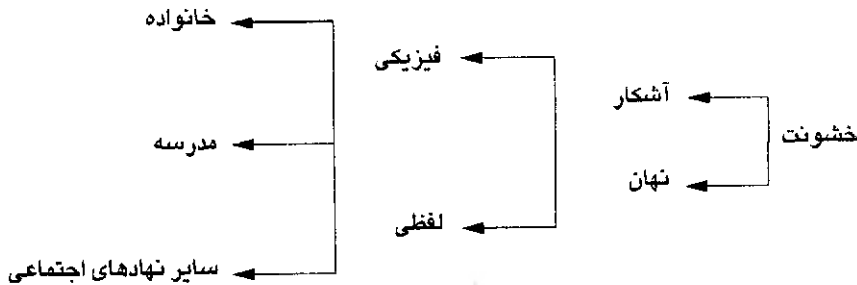
ساختار متن و تصویر ۵۶ داستان فانتزی و ۳۲ داستان واقعی، از گروه داستان-ترجمه که از آغاز سال ۱۳۷۸ تا سه ماهه اول سال ۱۳۷۹ برای کودکان و نوجوانان منتشر شده، به عنوان جامعه آماری برای تحقیق در موضوع «خشونت در کنش متقابل اجتماعی شخصیت‌های داستانی در خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای اجتماعی» انتخاب شده است.

*** روش تحقیق**

از دید جامعه‌شناسی، کنش متقابل اجتماعی شخصیت‌های داستانی، تحلیل محتوایی شده است.

*** ابزار تحقیق**

داستان‌ها براساس این دیاگرام^(۱) تقسیم‌بندی شده‌اند:



و براساس اطلاعات به دست آمده از فرم‌های زیر تحلیل شده‌اند:

* فرم (۱): سن شخصیت محوری داستان، شامل ارزیابی آماری و مقایسه تعداد شخصیت‌های کودک و بزرگسال.

* نمونه‌ای از فرم (۱)

عنوان	نویسنده	شخصیت محوری داستان	کودک	بزرگسال
آقا فیله کجا قایم بشه؟	دیوید مک‌پایل	موریس (فیل)	X	
نمایشی در کپکشان	گیلیان رابین اشتاین	جوئلا، پیتر، لیوارد و...	X	
لاکپشت	رولد دال			X

* فرم (۲): چگونگی ساخت خانواده در مدار داستانی، شامل ارزیابی آماری و مقایسه ساخت‌ها با هم. تقسیم‌بندی ساخت خانواده: ۱- پدر، مادر و فرزندان ۲- تک والدی که شامل دو زیرگروه مادر و فرزند یا پدر و فرزند است ۳- پدر و مادر ندارد که شامل دو زیرگروه می‌شود: تنها یا با خویشان زندگی می‌کند ۴- ساخت خانواده نامشخص است ۵- در مدار داستانی خانواده وجود ندارد.

۱. خشونت «جنگی» که نوعی خشونت فیزیکی آشکار است، در کتاب‌های مورد بحث، بررسی نشده و جایگاه آن در دیاگرام حذف شده است.

* نمونه‌ای از فرم (۲)

عنوان	نویسنده	پدر، مادرو فرزند	تکوالدی		نامشخص وجود ندارد	خانواده
			مادر و فرزند	پدر و فرزند		
آینده هوپرتوت	فیلیس هولمن	هوپریا پدر مادر				
دورغوها	بی‌جی پیترسون		مادر مرده است سام با پدر			
پراسپر عزیز	پائولا فاکس			مادر و دوک (سگ) برای مدت کوتاهی باهم زندگی می‌کنند. دوک فرار می‌کند.		
کرک‌های ویلیوی چیس	جوآن ایکن	بنی با پدر و مادرش زندگی می‌کند	سالمن در غار تنها زندگی می‌کند.	سیلویا با عمه پیر زندگی می‌کند.		
بروماه‌پیشانی	جان رینولدز			ویلی با پدر بزرگ		
فلوسی و روباه مک کیساک	پاتریشیا مک کیساک				مادر بزرگ به فلوسی کاری می‌دهد	
نیلز و پرند کرچولو	لیندا ویگلر				بازی قایم باشک	

* فرم (۳): کنش‌های شخصیت‌های اصلی سایه که سرچشمه خشونت در خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی است. این فرم در سه زیرگروه خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی، به طور جداگانه تهیه شده و شامل ارزیابی آماری و مقایسه است.

« بررسی کنش‌های خشونت‌آمیز شخصیت‌های داستانی بزرگسال، علیه کودکان، در چهار حوزه «حق بقا»، «حق رشد»، «حق حمایت» و «حق مشارکت» تقسیم‌بندی شده است. این بررسی، شامل ارزیابی آماری است؛ به این صورت که در مدار داستانی، کدام یک از حقوق چهارگانه کودکان، از طریق خشونت اعمال شده، مورد هجوم قرار گرفته است.

* نمونه‌ای از فرم (۳) (زیرگروه خانواده)

عنوان	نویسنده	شخصیت اصلی	نوع کنش	شخصیت سایه	نوع کنش
دماغ ملکه	دیوکینگ اسمیت			خانم و آقای پارکر پدر و مادر هارمونی	تبعیض میان دو فرزند و بی‌توجهی و سرزنش نسبت به هارمونی ملودی خواهر هارمونی برخوردهای رییس- مآبانه با هارمونی و توهین و تحقیر او
معلم مریخی من	بوریس کوویل			پدر پیتر	آسان‌گیری نسبت به پیتر، تا زمانی که او در درس ایجاد نکند به او کاری ندارد. پدر و مادر سوزان
کدرشاه	کریستین نوستلینگر	پدر و لنگانگ	تحکم و تسلط پدر بر افراد خانواده به خصوص فرزندان سوءاستفاده از پسر کوچولوی خانواده بی‌توجهی به روحیات فرزندان		مراقبت بیش از اندازه، به‌هدی‌که آزادی سوزان را سلب می‌کنند

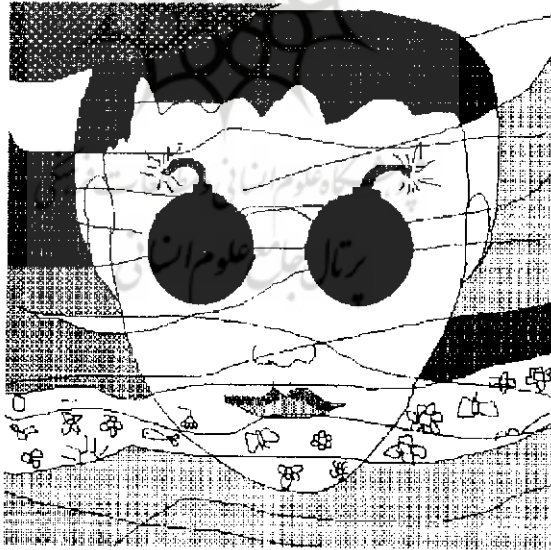
* نمونه‌ای از فرم (۳) در زیرگروه مدرسه

عنوان	نویسنده	شخصیت اصلی	نوع کنش	شخصیت سایه	نوع کنش
آن سوی جنگل خیزران	یوکاوا اشیمایا			گروه همسالان در کلاس	توهین و تحقیر یوکو به دلیل سر و وضع فقیرانه مسئولین مدرسه
					هیچ‌گونه واکنشی نسبت به رفتار بچه‌ها که یوکو را اذیت و آزاد می‌کنند، نشان نمی‌دهند.

* نمونه‌ای از فرم (۳) در زیرگروه سایر نهادهای اجتماعی

عنوان	نویسنده	شخصیت اصلی	نوع کنش	شخصیت سایه	نوع کنش
به خاطر یک اسب	علیم حکمت	نظام بای ارباب قلعه بیگ	اقتدار بر رعایا (موقعیت نابرابر اجتماعی)		
نمایشی در ککشان	گیلیان رابین اشتاین			صاحبان سرمایه	بچه‌دزدی و سوءاستفاده از نیروی زندگی آنها برای زندگی هر چه بیشتر
سه پایه‌ها به زمین آمدند	جان کریستوفر			جوانان بیگانه‌ستیز در سوئیس	کک زدن به قصد کشت توهین و تحقیر
دخترک کولی	رومرکابن	جامعه (مدرسه و...)	تحقیر قومی دخترک کولی		

* فرم (۴): بررسی کنش‌های خشونت‌آمیز شخصیت‌های داستانی بزرگسال، علیه کودکان، در چهار حوزه «حق بقا»، «حق رشد»، «حق حمایت» و «حق مشارکت» تقسیم‌بندی شده است. این بررسی، شامل ارزیابی آماری است؛ به این صورت که در مدار داستانی، کدام یک از حقوق چهارگانه کودکان، از طریق خشونت اعمال شده، مورد هجوم قرار گرفته است.



※ نمونه فرم (۳)

عنوان	نویسنده	شخصیت محوری داستان	حق بقا	حق رشد	حق حمایت	حق مشارکت	
دختر ککولی	رومکدان	کیزی	دختر ککولی که با مسافر بزرگ زندگی می‌کند. وقتی مادر بزرگ می‌میرد...	بنا به آداب کولی‌ها و مسائل زندگی مادر بزرگ که در واقع مسائل زندگی کیزی هست. سوزانده می‌شود. کیزی بی‌سرپناه و... مانده است.	جامعه چون کیزی کولی است. حق رشد برای او قائل نیست. او از مدرسه می‌گریزد چرا که آزاد نیست. چون کولی است.	مادر بزرگ مرده است او تنهاست و حمایت‌گری ندارد. و مورد آزار و آفتاب قوم و خشویش مادر بزرگ قرار می‌گیرد.	برای سوزاندن رسائل با او هیچ مشورتی نمی‌شود و بدون نظر او می‌خواهند اسپیش را به قصاب بپارند.
سوداگر رویا	کارامی	جودی	—	(آزادی فکری) جامعه مصروف‌گرا است. بچار شی‌زدگی است. اجازه رشد به جودی آن طور که خودش می‌خواهد، نمی‌دهد.	او پسر و مادرش مرده‌اند یا خانواده عمویش زندگی می‌کند. او تنهاست و مورد تمسخر آنها!	مردم شهر او را مجبور می‌کنند تا رویاهایش را به خواب‌فروش بفرود.	
وقتی سه‌پایه‌ها به زمین آمدند.	جان کریستوفر	لاری و دیگر ساکنان زمین	سه‌پایه‌ها حق زندگی آنها را می‌خواهند. سلب کنند و عده‌ای زیادی از ساکنان را مسخ کرده‌اند.	رشد عادی انسانی آنها را محقوقاً ساخته‌اند؛ چرا که اندیشه و تفکر انسانی را مسخ کرده‌اند و آنها را آن گونه که خود می‌خواهند، راندن به فکر کردن می‌کنند.	شاهی‌نهادهای اجتماعی از سه‌پایه‌ها مسخ کرده‌اند و هیچ حس‌مایتگری در خانواده، مدرسه و نیکس‌ر نهادهای اجتماعی نمانده است.	سه‌پایه‌ها هیچ گونه مشورتی با مسخ‌شدگان انجام نمی‌دهند. با اجسبار کلاهخود خوشبختی را بر سر زمینیان می‌گذارند.	
معلم مریخی‌من	بوریس کوویل	پیتز	پیتز به علت بی‌اعتنائی پدرش تصمیم می‌گیرد با مریخی به فضا برود و در واقع، بقای زمین او نابود می‌شود.	پیتز با بردن اجباری بچه‌های کلاس به فضا، در واقع حق رشد آزادانه آنها را سلب می‌کند.	پیتز تنهاست. او فقط کتاب می‌خواند و هیچ حمایتگری ندارد. حتی گروه همسالان او در مدرسه دائم او را مسخره می‌کنند.	مریخی (معلم جدید) بدون هیچ گونه مشورتی یا بچه‌های کلاس، می‌خواهد آنها را با خود به فضا ببرد.	

※ تعاریف مورد استفاده در این تحقیق

※ واحد تحلیل: از آنجا که زاویه دید در این تحقیق، جامعه‌شناسی است، بنابراین، کوچک‌ترین واحد منسجم و محسوس رابطه میان دو شخصیت داستانی و به عبارت دقیق‌تر، کنش متقابل اجتماعی شخصیت‌های داستانی است.

※ کنش متقابل اجتماعی: هرگاه شخصیتی به کنش شخصیت دیگر پاسخ گوید، کنش متقابل رخ می‌دهد. هر واکنشی، محرکی است برای شخصیت دیگر داستانی که در نتیجه، او هم به نوبه خود در برابر کنش‌های آن شخصیت واکنش نشان می‌دهد.

※ حق بقا: شامل حق زندگی و برخورداری از حقوق اولیه برای زیستن و شامل این موارد است:

داستان، شخصیت فرا طبیعی با صفات انسان بزرگسال است.

۳. سن شخصیت اصلی، در ۲ داستان از مجموعه داستان‌های فانتزی، نامشخص است که هر دوی آنها حیوان با صفات انسانی هستند.

۴. کتاب از این مجموعه، «مجموعه داستان» است. شخصیت محوری در بعضی از داستان‌ها کودک و در برخی بزرگسال است.

۵. کتاب از این مجموعه، شخصیت محوری را از هنگام تولد تا بزرگسالی، در طرح‌ریزی خود دارد.

۳۲ داستان واقعی

۱. شخصیت اصلی ۲۶ داستان از این مجموعه، کودک است.

۲. شخصیت اصلی ۶ داستان از این مجموعه، بزرگسال است.

بنابر اطلاعات به دست آمده از فرم (۱)، عموم شخصیت‌های محوری داستان‌های مورد بررسی، کودک هستند. این شخصیت محوری، با خود، دنیای متفاوت از دنیای بزرگسالان را به مدار داستان می‌آورد. این دنیا از نظر کمی و کیفی، نیازها، خواست‌ها و ویژگی‌های خاص، تفاوت‌های جدی با دنیای بزرگسالان دارد. در داستان‌های مورد بحث، دو دنیای کودکی و بزرگسالی در مقابل هم قرار می‌گیرد. بزرگسالان حقوق کودکان داستانی را نادیده می‌گیرند و در این کشمکش، شخصیت‌های کودک داستانی، عموماً راهی برای آشتی و تفاهم پیدا می‌کنند.

با توجه به نتیجه حاصله از فرم (۱) محور تحقیق را بر اعمال خشونت شخصیت‌های بزرگسال نسبت به کودکان در خانواده و مدرسه و واکنش این کودکان نسبت به این کنش‌های خشونت‌آمیز قرار داده‌ایم.

داشتن معیار برای زندگی، داشتن سرپناه، تغذیه مناسب و خدمات بهداشتی.

* حق رشد: شامل کثیفی عوامل و شرایطی می‌شود که هر کودک را به حداکثر رشد استعدادهايش می‌رساند. مانند: حق تحصیل، بازی و تفریح، فعالیت‌های فرهنگی. آزادی فکر و مذهب و دسترسی به اطلاعات بیشتر برای کسب آگاهی.

* حق حمایت: حمایت از کودکان در مقابل هرگونه آزار، بی‌توجهی، سوءاستفاده و تبعیض.

* حق مشارکت: مشارکت فعالانه کودکان در خانواده، مدرسه و جامعه از طریق: بیان اندیشه، اظهار نظر کردن نسبت به مسائلی که مربوط به زندگی‌شان می‌شود و ایجاد محیطی که در آن پیشداوری جایی نداشته باشد و هر فرد محترم و با ارزش شمرده شود و بیان آزادانه عقاید، امری طبیعی به شمار آید.

* کودک: با مراجعه به ماده (۱) کنوانسیون حقوق کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال، در محدوده این تحقیق، کودک نامیده می‌شوند.

تحلیل کتاب‌های فانتزی و واقعی براساس فرم (۱)

* ۵۶ کتاب فانتزی

۱. شخصیت اصلی ۴۵ داستان از این مجموعه، کودک است که جنسیت آنها عبارتند از: در ۳۴ داستان، انسان کودک، در ۸ داستان، حیوان با صفات انسانی کودک، در یک داستان «ذهن ساخته» با صفات انسان کودک و شخصیت اصلی در ۲ داستان «عروسک دست‌ساز» با صفات انسانی کودک است.

۲. شخصیت اصلی ۵ داستان از این مجموعه بزرگسال است که جنسیت آنها عبارتند از: در ۲ داستان، انسان بزرگسال، در ۱ داستان، حیوان با صفات انسان بزرگسال، در ۱ داستان، گیاه (درخت خشک شده) با صفات انسان بزرگسال و در ۱

تحلیل کیفی محتوایی کتاب‌های فانتزی و واقعی، براساس فرم (۲) و (۳) و خشونت در خانواده

بدون شک، ساخت خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، بر شخصیت کودک تأثیرات جدی می‌گذارد. کودک اولین آموزش‌ها را درباره کنش متقابل اجتماعی انسان‌ها (مکالمه و رعایت نوبت در حرف زدن و رابطه با مراجع قدرت)، در برخوردهای اولیه با مادر یا کسی که از او نگهداری می‌کند، یاد می‌گیرد. از همان ابتدا که به گریه‌های کودک پاسخ داده و با او حرف زده می‌شود و به او و واکنش‌هایش توجه نشان می‌دهند، کودک فهم و دانش اندکی از روابط اجتماعی به دست می‌آورد. به عبارتی، برداشت ابتدایی کودک از خودش، جهان و مردم پیرامونش تحت تأثیر رویکردها، باورها، هنجارها و ارزشهایی است که در خانواده شکل گرفته. بنابراین، برای تحلیل خشونت در خانواده‌های داستانی، ابتدا ساخت خانواده را در کتاب‌های مورد بررسی با استفاده از فرم (۲) تعیین می‌کنیم:

* ارزیابی ساخت خانواده‌های داستانی براساس فرم (۲)

- در ۴۲ مورد، شخصیت‌های کودک با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند.

- در ۹ مورد، شخصیت‌های کودک با پدر زندگی می‌کنند.

- در یک داستان، شخصیت محوری داستان، حیوان با صفات انسانی کودک (سگ) برای مدت کوتاهی با مادر زندگی می‌کند.

- در ۱۴ مورد، شخصیت‌های کودک پدر و مادر ندارند. آنها با خویشان، تنها، با غریبه‌ها و یا در پرورشگاه زندگی می‌کنند.

- در ۱۸ مورد، ساخت خانواده نامشخص است. نمونه: در داستان «میمون هنرمند» از «پاملا چیپنگ»

مادر بابل (میمون) یکی از شخصیت‌های داستانی است و از پدر بابل صحبتی نیست.

- در ۸ داستان، مدار داستانی آن‌گونه طرح‌ریزی شده است که خانواده‌ای وجود ندارد. نمونه: در داستان «درخت مرده» از «لوئیز بُدن» موضوع داستان درباره درخت خشک شده است که می‌خواهد همچون گذشته، مفید و قابل استفاده باشد.

گفتنی است که در فرم (۲) «چگونگی ساخت خانواده‌های داستانی»، در صورتی که در داستانی شخصیت‌های متفاوت کودک در ساخت‌های مختلف خانواده زندگی کنند، این ساخت‌های متفاوت، در ارزیابی آماری شمارش شده است. نمونه: در داستان «معلم مریخی من» از «بوریس کوویل» سوزان، یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، با پدر و مادر «سخت‌گیر»ی زندگی می‌کند و پیترو، شخصیت دیگر داستان که مادرش مرده است، با پدر «آسان‌گیر»ش زندگی می‌کند. بنابراین، در فرم (۲) در دو زیرگروه «پدر، مادر و فرزندان» و «تک والدی» داستان «معلم مریخی من» قرار گرفته است.

با دید کلی بر آمار به دست آمده از فرم (۲)، نشان‌دهنده ۴۲ خانواده با ساختار عادی و ۲۴ خانواده با ساختار غیرعادی است که همین ساختار غیرمعمول می‌تواند سرچشمه‌ای برای خشونت (بی‌توجهی، سوءاستفاده، بدرفتاری روحی و جسمی و آسان‌گیری) باشد.

* ارزیابی کنش‌های خشونت‌آمیز در خانواده، با استفاده از فرم (۳)

پس از مطالعه نوع کنش‌های خشونت‌آمیز در خانواده، براساس الگوهای رفتاری والدین یا سرپرست خانواده، والدین قاطع و اطمینان‌بخش، والدین مستبد، والدین همدل، والدین هوشیار و آسان‌گیر و والدین آسان‌گیر، نمونه کنش‌های

الگوی رفتاری در خانواده را متحول می‌سازد. در داستان «از طرف آنا»، از «جین لیتل» آنا کوچکترین فرد خانواده، مورد بی‌توجهی مادر و تحقیر و سرزنش دائمی چهار خواهر و برادرش قرار دارد. آنها او را نادیده می‌گیرند و او در این خشونت است که هویت و توانایی‌های وجودی خویش را از دست می‌دهد و به کودکی پرخاشگر، ضعیف، ناتوان و گوشه‌گیر، با عنوان «آنا ی دست و پا چلفتی» تبدیل می‌شود. در داستان «دماغ ملکه» از «دیک کینگ اسمیت» هارمونی، شخصیت محوری داستان، در تبعیض آشکاری که پدر و مادرش میان او و خواهرش ملودی ملودی قائل هستند، به اتفاق متروک مرغانی پناه می‌برد و یک تنه با پدر و مادر و خواهرش مقابله می‌کند تا این که یاری‌گری بزرگسال، او را از این تنگنا می‌رهاند.

شخصیت‌های کودک داستانی، از این نادیده گرفته شدن (بی‌توجهی) آشکار، رنج می‌برند و مخاطبان با آنها همدردی می‌کنند.

— در ۱۶ داستان، شخصیت‌های بزرگسال، کودکان داستان را تحت بد رفتاری جسمی و روحی قرار می‌دهند. در داستان کدو شاه، پدر و لنگانگ، شخصیت محوری داستان، نمونه یک پدر مستبد است. او می‌پندارد که خانه حوزه اقتدار اوست و او حق دارد با افراد خانواده (مادر، پدر بزرگ و سه فرزند) هرگونه که بخواهد رفتار کند. او با داد و فریاد دائمی، حرف خود را پیش می‌برد. خندیدن، لباس پوشیدن، تلویزیون دیدن، غذا خوردن و... همه و همه با نظر پدر است. او نمی‌تواند دنیای دیگران را درک کند. نمی‌تواند بفهمد که همسرش، پدرش و کودکانش نظریات خاص خود را دارند. او با حساری که برای خود ساخته، راه هرگونه گفت‌وگویی را بسته است. با آمدن جانور کدویی به خانه و حمایت پدر از او و مقابله افراد خانواده با او، اقتدار آهنین پدر درهم می‌ریزد. با وجود این، در پایان داستان، پدر همان پدر است با همان روحیات

جمع‌بندی شده در فرم (۳)، در قالب دو الگوی رفتاری والدین مستبد و آسان‌گیر مشاهده شد. دو شخصیت پدر در داستان‌های «کدو شاه» از «کریستین نوستلینگر» و «معلم مریخی من» از «بوریس کوویل» به ترتیب، بر الگوی رفتاری والدین مستبد و آسان‌گیر انطباق دارند و الگوی رفتاری والدین دیگر، در عموم کتاب‌های مورد بررسی نیز در طیفی میان این دو الگوی رفتاری قرار دارد. بنابراین، کنش‌های به دست آمده در چهار گروه عمده «بی‌توجهی»، «بدر رفتاری جسمی و روحی»، «سوء استفاده» و «آسان‌گیری» تقسیم‌بندی شد.

— در ۱۵ داستان، شخصیت‌های بزرگسال، کودکان را نادیده می‌گیرند و به آنها بی‌توجهی می‌کنند. به روحیات و بحران سنی آنها توجهی ندارند و به آنها حتی در مورد موضوعات مربوط به خودشان اجازه نظر دادن نمی‌دهند. شخصیت‌های کودک، خود به تنهایی با مشکلات روبه‌رو می‌شوند و هر کدام، واکنشی خاص در مقابل کنش خشونت‌آمیز بزرگسالان بروز می‌دهد. در این شرایط است که نادی در داستان «نادی به سرزمین اسباب‌بازی می‌رود»، از «ایند بلیتون»، از تنهایی و زندگی یکنواختی که پیرمرد نجار برای او مهیا کرده است و بدون توجه به ترس نادی «شیر چوبی» می‌سازد، فرار می‌کند. نادی عروسکی چوبی است که پیرمرد نجار او را ساخته. او از شیر می‌ترسد و از تنهایی گریزان است. واکنش نادی، در مقابل این دنیایی که هیچ‌گونه درکی از روحیات او ندارد، فرار است. او می‌رود تا شاید در «شهر اسباب‌بازی» برای خود سرپناهی پیدا کند. و اما پاتریک، در داستان «جوینده یابنده است»، از «امیلی رودا» در محیطی که همه مشغول به کار خویش هستند و هیچ‌کس نیست که با او صحبت کند. چه می‌کند؟ او در آزمونی سه مرحله‌ای که به دنیای آن طرف دیوار می‌رود، خود را می‌یابد و

او حاضر نیست در مورد این حوادث، حرفی بزند! در داستان «پراسپر عزیز»، اثر «پائولا فاکس»، شخصیت محوری داستانی، تحت رفتارهای خشونت‌آمیز قرار گرفته، حتی او را کتک می‌زنند که این کنش‌های تحقیرآمیز، او را به دنبال انتخاب راهی مناسب برای زیستن، آن‌گونه که خود می‌خواهد، به فرار وامی‌دارد.

در داستان «بندر امن»، از «ماریتا کانتن مک‌کنا» پدر بزرگ سوفی، با رفتار خشن و بی‌حوصله‌اش که ناشی از مسائل روحی و روانی اوست، سوفی را تحت آزارهای روحی قرار می‌دهد.

رفتار تحکم‌آمیز پدر جورجینا و انفعال مادرش در مقابل این رفتار در داستان «ساجراهای پنج دوست در جزیره گنج»، از «ایند بلیتون» جورجینا را به جایی می‌رساند که از جنسیت خودش متنفر می‌شود و اگر او را جورج صدا نزنند، جواب نمی‌دهد. پدر هیچ‌گاه روحیات او را درک نمی‌کند و حتی گاهی برای پیش بردن دستوراتش، از کتک زدن او نیز خودداری نمی‌کند.

- در ۲ داستان، شخصیت‌های بزرگسال، کودکان داستانی تحت سوءاستفاده آشکار قرار می‌دهند.

در داستان کدوشاه، پدر برای حمایت از جانور کدویی، از وجود کوچکترین پسر خانواده «نیک» سوءاستفاده می‌کند. او نیک را تابع خود کرده است؛ زیرا پسرک کوچولو، چون دیگر افراد خانواده قدرت تحلیل ندارد.

- در ۵ داستان، شخصیت‌های بزرگسال، در رفتار با کودکان داستانی «آسان‌گیر» هستند.

در داستان «معلم مریخی من»، از «بیوریس کوویل» پیتر، شخصیت محوری داستان، تنهای تنهاست. در مدرسه، گروه همسالان به او تحقیر و توهین می‌کنند. او فقط مطالعه می‌کند. مادرش مرده است و با پدرش زندگی می‌کند. پدرش نیز به کار او کاری ندارد. تا زمانی که پیتر در دسری ایجاد

نکند، او به پیتر هیچ توجهی ندارد. «پیتر می‌گوید: پدرم آنقدر از من بیزاره که به هیچ کارم کاری ندارد.» به همین دلیل، در حوادثی که پیش می‌آید، پیتر داوطلبانه یا مریخی به فضا می‌رود.

در داستان «مشهور به شیلائی کبیر»، از «جودی بلوم» حضور بسیار کم‌رنگ پدر و مادر شیلا، در ترس و اضطراب فراوان او، نشانی از رفتار «آسان‌گیر» آنهاست که در رفتار با کودک، هیچ‌گونه زحمتی به خود نمی‌دهند. نمونه دیگر در داستان «تعطیلات در خانه پروفوسور»، از «ایند بلیتون» است که «تینکو» فرزند پروفوسور فراموشکار، از نظر پروفوسور (پدر) یک مزاحم است و با او هیچ‌گونه رابطه‌ای ندارد.

با تحلیل نتایج به دست آمده از فرم (۳) (در زیرگروه خانواده) مشخص می‌شود که کنش متقابل در خانواده تحت سلطه بزرگترها، تحمیل از بالا از طرف بزرگترها (پدر یا مادر یا خواهر و برادر بزرگتر) به خصوص پدر و اطاعت و پذیرش از جانب کوچکترها استوار است. روابط، مبتنی بر دو قطب کنش‌گر و کنش‌پذیر، شکل گرفته که این رابطه، مانع بزرگی در راه مشورت، گفت‌وگو و نظرخواهی در این سلسله مراتب است. پدر تصمیم‌گیرنده است. او حتی با مادر مشورت نمی‌کند. کارکرد زنان در مدار داستانی، دادن خدمات به دیگران و تأمین آسایش خانواده است. شخصیت کودک داستانی که در این روابط زندگی می‌کند، چگونه می‌خواهد یاد بگیرد در انجام امور با دیگران مشورت کند؟

در هر داستان، روابط شخصیت کودک با خانواده، فرآیندی چند سویه دارد. از یک طرف تحت تأثیر هنجارها، ارزش‌ها و باورهای پیریزی شده در جامعه‌ای که خانواده به عنوان نهادی از آن تعریف می‌شود، قرار می‌گیرد و از طرفی، خصوصیات فردی شخصیت کودک داستانی، با خصوصیات و نحوه فرزندپروری والدینش در

کنش متقابل اجتماعی است. شخصیت کودک داستانی، خود و مادرش را در مرتبه دوم می‌بیند. هیچ‌گاه با آنها مشورتی نمی‌شود. بنابراین، در آینده او شهروندی خواهد شد که قادر و مایل نیست در زندگی جامعه نقش فعال داشته باشد؛ زیرا همیشه در سیستم قیم‌آبانه زندگی کرده است.

در هر اثر، خانواده‌های داستانی، تحت تأثیر دوران تاریخی‌ای هستند که داستان در آن دوره خلق شده است. به عنوان نمونه: خانواده گردو در داستان «پشت درخت‌ها را می‌بیند»، از «مایکل دوریس» تحت تأثیر آداب و سنن زندگی سرخ‌پوست‌ها، معیارها و ارزش‌ها خود را پی‌ریزی می‌کند. اوروس، شخصیت محوری در داستان «به خاطر یک اسب»، از «علیم حکمت» در شرایط جامعه‌ای بسته زندگی می‌کند که روزانه، حول و حوش شلاقِ اقتدار ارباب «نظام‌بای» می‌چرخد. اوروس، در مقابل ارباب برمی‌خیزد و رستم، اسب قوی و زیبایی که غرور ارباب را خدشه‌دار کرده است، فراری می‌دهد و سرانجام، طی حوادثی، اوروس با ارباب به تفاهم می‌رسد. در حالی که موقعیت اجتماعی، آن جامعه بسته همچنان حول و حوش شلاقِ اقتدار ارباب می‌چرخد. در داستان «پی‌پی جوراب بلند»، از «آسترید لینگرن»، پی‌پی در جامعه‌ای زندگی می‌کند که روابط والدین با فرزندان‌شان به سمت «آسان‌گیری» می‌رود. اما پی‌پی در مقابل این عدم حمایت، بسیار قوی و مصمم از خودش محافظت می‌کند و آن‌طور که می‌خواهد، دنیای خود را محافظت می‌کند؛ به طوری که بچه‌های همسایه به او حسرت می‌خورند. شخصیت‌های بزرگسال از دست او کلافه می‌شوند و مخاطبان داستانش که در گردباد «بی‌توجهی»، «بدرفتاری»، «سوءاستفاده» و «آسان‌گیری» بزرگسالان قرار دارند، از او یاد می‌گیرند که چگونه شجاع باشند.

شخصیت‌های کودک داستانی، در عموم داستان‌های مورد بررسی، حصار شکن هستند. آنها با شرایطی که بزرگسالان برای آنها به وجود آورده‌اند، مقابله می‌کنند و دنیای بزرگسالان را نیز متحول می‌سازند.

✽ خشونت در مدرسه

✽ ارزیابی کنش‌های خشونت‌آمیز در مدرسه، با استفاده از فرم (۳)

در کتاب‌های مورد بررسی ۱۱ مورد خشونت در مدرسه مشاهده می‌شود که از طریق مسئولان مدرسه یا معلمان و یا گروه همسالان، نسبت به شخصیت کودک داستانی اعمال می‌شود. این بدرفتاری، اشکال متفاوت دارد:

۱. تنبیه: در داستان کدوشاه، ولفگانگ شخصیت محوری داستان، تنبیه می‌شود و باید جریمه بنویسد و برای آقا معلم، امضای پدر را بیاورد. مجموعه این شرایط، موجب بی‌خوابی و اضطراب و ترس ولفگانگ می‌شود. در داستان گرگ‌های ویلویای چیس در پرورشگاه خانم بریسکت مسئول پرورشگاه، بنی را تنبیه می‌کند، دو روز به او غذا نمی‌دهد و او را کتک می‌زند. در داستان به خاطر یک اسب، ملا، اوروس را کتک می‌زند؛ به دلیل این که سر کلاس درس حاضر نمی‌شود.

۲. تهدید: در صندلی جادویی، بچه‌ها جیل را تهدید و اذیت می‌کنند.

۳. بی‌توجهی: نادیده گرفتن یوکو در «آن سوی جنگل خیزران» توسط مسئولان مدرسه، وقتی که بچه‌ها کلاس او را با توهین و تحقیرهای فراوان، تحت آزارهای عاطفی قرار می‌دهند. مسئولان مدرسه اصلاً هیچ‌گونه توجهی به موقعیت یوکو که شاگرد زرنگی است، ندارند. او بسیار فقیر است و در وضعیت اسفناکی به مدرسه می‌آید.

۴. سرزنش و تحقیر: در داستان «از طرف آنها» وقتی که خانواده آنها در آلمان زندگی می‌کند، آقای کوچولو به دلیل ضعف درسی، با تحقیر و سرزنش معلم روبه‌رو می‌شود. او مضطرب و پریشان است و تنها روزنه امید خود را پدرش می‌داند. چرا که او مدام از طرف مادر و خواهران و برادرانش تحقیر می‌شود. آقای آزار دیده، خاموش، گوشه‌نشینی اختیار می‌کند. در عالم خود فرو می‌رود و از دیگران می‌گریزد. خانواده به کانادا مهاجرت می‌کند. آنها در شرایط جدید، به مدرسه‌ای می‌رود که خانم معلم، روحیات او را درک می‌کند و بچه‌های کلاس با او همدل هستند. حق فعالیت در کلاس با آنهاست. سیستم آموزشی بر مبنای عدم تأکید بر نمره و رقابت شخصی است. آنها کم‌کم می‌توانند به راحتی نفس بکشند. آنها می‌فهمند که زندگی یک «چالش» است. معلم به او امکان کاوش می‌دهد. او با معلم و سایر دانش‌آموزان، به طور غیررسمی حرف می‌زند. بالاخره در سیستم آموزشی «باز» آنها می‌شکفت. او دیگر پرخاشگر و گوشه‌گیر نیست و با دیگران به راحتی ارتباط برقرار می‌کند و خود را در این ارتباطات می‌یابد.

۶. اطاعت بی‌چون و چرا: در داستان «معلم مریخی من» ظاهراً شرایط در مدرسه آن‌گونه است که متصدیان مدرسه، می‌خواهند بچه‌ها هرگونه تغییری را بدون هیچ‌گونه سؤالی پذیرا باشند. واکنش بچه‌های مدرسه، در طول این شش سال دبستان چه بود؟ آنها حتی یک بار هم به حرف مسئولان مدرسه گوش نداده بودند؛ چرا که آنها یاری‌گری چون خانم معلم (خانم شوارتز) داشتند که تابع مقررات مدرسه نبود و در خیلی از مسائل، خودش با فکر خودش، با بچه‌ها کارها را انجام می‌داد و با آقای مدیر رابطه خوبی نداشت؛ خانم معلم رفته بود، معلوم نبود چه بر سرش آمده و آقای معلم جدید آمده بود که نظم را برقرار کند؛ بدین ترتیب، اطلاع‌رسانی راستین و آگاه‌سازی بچه‌ها،

تحت تأثیر اطاعت بی‌چون و چرا، هدایت می‌شود و کودک از آنچه حق رشد او محسوب می‌شود، محروم می‌ماند.

* خشونت در سایر نهادهای اجتماعی
* ارزیابی کنش‌های خشونت‌آمیز، در سایر نهادهای اجتماعی (به جز مدرسه و خانواده)، با استفاده از فرم (۳)

پس از مطالعه کنش‌ها براساس حقوق چهارگانه «حقوق و آزادی‌های شخصی»، «حقوق فرد در مناسباتش با گروه‌های دیگر اجتماعی و دنیای بیرونی»، «آزادی‌های معنوی و حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» این نتیجه به دست آمد که در کتاب‌های مورد بررسی، کنش‌های خشونت‌آمیز در نهادهای اجتماعی، عموماً از «نابرابری» شروع شده است.

در داستان «چاه»، از «میلرد تایلور» حق زندگی و امنیت اجتماعی خانواده‌ای سیاه‌پوست، توسط خانواده سفیدپوست تقص می‌شود. در این کشمکش ناشی از نابرابری نژادی، چارلی سفیدپوست به هر کاری دست می‌زند. و اما جامعه چه نقشی در این کشمکش‌ها بازی می‌کند؟ محیط اجتماعی در مقابل این کشمکش‌ها سکوت می‌کند و فقط وقتی هامر پسرک سیاه‌پوست، چارلی سفیدپوست را کتک می‌زند، کلانتر سکوت را می‌شکند و حکم می‌دهد که پسرک سیاه‌پوست، ماه‌ها در مزرعه خانواده سفیدپوست بگاری کند.

در داستان «سه‌پایه‌ها به زمین آمدند»، از «جان کریستوفر» وقتی خانواده لاری، از ترس سه‌پایه‌ها، به سوئیس پناه برده، خارجی‌ستیزان، لاری و دوستش و خواهر خوانده‌اش را به قصد کشت می‌زنند و در مقابل شکایت خانواده لاری، پلیس می‌گوید: ما خارجی‌ها را دوست نداریم!

در داستان «نمایشی در کوهکشان» موقعیت کودکان خیابانی، این محروم‌ترین کودکان جهان، به

می‌شود. برادر استاد شکار، در برخورد با بیگانه، برای گردو، شخصیت محوری داستان می‌گوید. همان‌طور که آنها از نظر ما بیگانه هستند ما هم از نظر آنها بیگانه هستیم. ما باید زبان تفاهمی با آنها پیدا کنیم. گردو و او آن شب را با زن و مرد بیگانه و نوزاد کوچکشان در شادی می‌گذارند. پس از چند روز، گردو وقتی از سفر جست‌وجوی دره آب باز می‌گردد، می‌بیند وسایل ناچیز آن زن و مرد بیگانه، غارت شده و آنها را بیگانه‌های دیگری ربوده‌اند. گردو نوزاد آنها را پیدا می‌کند و با خود به قبیله می‌برد.

بدین‌سان، سرچشمه خشونت در سایر نهادهای اجتماعی، نتیجه نابرابری در «ارزش‌های زیستی»، «نژادی»، «قومی»، جنسی^(۱) و نظام اجتماعی است. این نابرابری در فضای نابردباری و عدم تحمل آرای دیگران، به خصوص نادیده انگاشتن نظریات و حقوق کودکان و زنان، تشدید شده است.

✽ ارزیابی کنش خشونت‌آمیز بزرگسالان علیه کودک داستانی، براساس فرم (۴)
در کتاب‌های مورد بررسی، ۱۶ مورد «حق بقا»، ۲۵ مورد «حق رشد»، ۲۶ مورد «حق حمایت» و تقریباً در عموم کتاب‌های مورد بررسی «حق مشارکت» شخصیت‌های کودک داستانی و در ۱۵ مورد، کلیه حقوق مورد بحث آنان، با کنش خشونت‌آمیز بزرگسالان تضعیف شده و آسیب جدی دیده است.

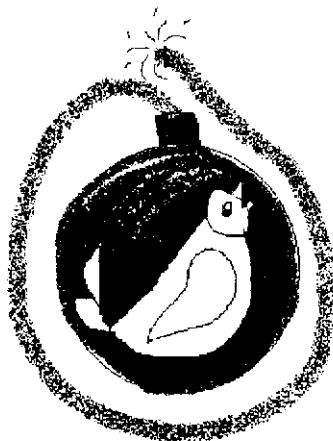
۱. نابرابری جنسی را در این مجموعه داستان (جامعه آماری اعلام شده در این تحقیق): در تحقیقی با عنوان «شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی» بررسی کرده‌ام. حاصل بررسی، گویای آن است که در عموم کتاب‌های مورد بررسی (۵۶ داستان فانتزی - ترجمه و ۳۷ داستان واقعی - ترجمه) به جز داستان‌هایی که گوهر ادبیت در آنها بسیار قوی است، پیام‌های آلوده به کلیشه‌های تبعیض جنسی، به چشم می‌خورد.

نمایش گذاشته می‌شود. آنها به شدت مورد سوءاستفاده و آزار قرار می‌گیرند؛ به طوری که زندگی‌شان را از دست می‌دهند. شرایط زندگی آنها، آن‌چنان اسفناک است که وقتی می‌خواهند از سیاره ساختگی فرار کنند، عده‌ای دچار تردید شده، فرار نمی‌کنند. زیرا می‌دانند که در بیرون این سیاره وحشت، اوضاع وحشتناک‌تر است. آنها خانه‌ای ندارند؛ چرا که حق زندگی انسانی و سالم از آنان سلب شده است.

در داستان «از طرف آنا» خانواده آنا برای نجات اندیشه آزاد از فاشیسم، با چند چمدان به کانادا مهاجرت می‌کند.

در داستان «جزیره‌هایی در آسمان»، از «آرتورسی کلارک»، فضای داستان قرن بیست و یکم را تصویرسازی می‌کند، اما روابط موجود در کتاب، به اوائل قرن بیستم، یعنی همان زمانی که کتاب خلق شده است مربوط می‌شود. «ردی» شخصیت محوری داستان، با حس برتری‌طلبی، دربارہ ساکنان مستعمره‌ها صحبت می‌کند. مستعمره‌ها، سیارات دیگری چون مریخ هستند. داستان خودمحوری را تشویق می‌کند. و هیچ‌گونه بحثی راجع به این که زمینی‌ها برای ساکنان بومی سیارات دیگر چه مشکلاتی ایجاد کرده‌اند، نیست. خودمحوری، از نویسنده به شخصیت‌های داستانی سرایت یافته و به همین سبب، آنها برای سیارات دیگر، اصطلاح مستعمره را به کار می‌برند.

آداب و سنن اجتماعی - قومی در کتاب «دخترک کولی» موجب خشونت نسبت به کیزی، شخصیت محوری داستان می‌شود. مادر بزرگ کیزی که یک کولی است، می‌میرد. بنا به رسم کولی‌ها وسایل زندگی او که در واقع متعلق به کیزی هم هست، آتش زده می‌شود. در داستان «به خاطر یک اسب» در مسابقه «بزرگشی» خشونت و بی‌رحمی به درجه بالا می‌رسد. در داستان «پشت درخت‌ها را می‌بیند» خشونت حاصل از بیگانه ستیزی، موجب مرگ



خود تقویت می‌کند.

علی‌رغم این که شخصیت محوری داستان‌های مورد بررسی - کودک داستانی - در مقابل موانع، اقدام می‌کند و می‌کوشد به نوعی با کنش‌های خشونت‌آمیز بزرگسالانه مقابله کند، اما در مدار داستان‌های مورد بررسی، پیام‌هایی چون «نقش قیم‌مایانه پدر در خانواده»، «ساخت نفوذناپذیر سلسله مراتب در خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی»، «جای خالی گفت‌وگو و مشورت در خانواده، مدرسه و...» و... به نوعی «تابو»های حک شده در ذهن کودک و نوجوان ایرانی را تقویت می‌کند.

منابع

- * درآمدی به جامعه‌شناسی / بروس کوئن / ترجمه: محسن ثلاثی / فرهنگ معاصر / ۱۳۷۰.
- * راهنمای کارگاه‌های شناخت حقوق کودک (برای کودکان ۷ تا ۱۴ ساله و...) / سوزان فانتیس / ترجمه: مهدخت صنعتی، ناصر یوسفی / انتشارات کانون / زمستان ۱۳۷۵.
- * اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن / گلن جانسون / ترجمه: محمدجعفر پوینده / نشر نی / چاپ دوم: ۱۳۷۷.
- * مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی جلد اول (کنش اجتماعی)، گی‌روشه، دکتر هما زنجانی‌زاده، دانشگاه فردوسی مشهد چاپ دوم مهر ۱۳۷۰.
- * رشد و شخصیت کودک، پاول هنری ماسن و...، مهشید یاسائی، نشر مرکز چاپ اول: ۱۳۶۸.
- * تمرین مدارا، محمد مختاری، انتشارات ویستار، چاپ دوم ۱۳۷۷.
- * مجموعه مقالات خانم دکتر فاطمه قاسم‌زاده درباره‌ی کودک، در مجلات جامعه سالم.

در واقع، ساختار خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی در مدار داستان‌های مورد بررسی، به گونه‌ای است که کنش اجتماعی، بیشتر براساس تحمیل از بالا از طرف بزرگترها یا حامیان قدرت و اطاعت و پذیرش از پایین، از جانب کوچکترها یا ضعیفان، استوار است. کنش متقابل اجتماعی را در ساخت این هرم قدرت، چه کسانی می‌سازند؟ پدر با افراد خانواده در رابطه «پدرسالاری»، مادر با بچه‌ها در رابطه «بزرگسالاری»، بچه‌های بزرگتر با بچه‌های کوچکتر در رابطه «بزرگسالاری»، مردان با زنان در رابطه «مردسالاری»، مسئولان، کارکنان و معلمان مدرسه با دانش‌آموزان در رابطه «معلم محوری» و بالاخره صاحبان قدرت با جماعت زیردست؛ در کنش متقابل اجتماعی، اجزای تشکیل‌دهنده این هرم قدرت، الگوهای خشونت‌ی، از قطبی به قطب دیگر سرایت می‌کند و بر هم تأثیر می‌گذارند و سرانجام، داستان در کنش متقابل اجتماعی با مخاطبان‌ش، این الگوی خشونت را به آنها تسری داده یا این الگوها را در ذهن مخاطب